ورود سازمان برنامه و بودجه به پرداخت مطالبات حوزه «دارو»

سخنگوی وزارت بهداشت از همکاری سازمان برنامه و بودجه در زمینه تخصیص اعتبار به حوزه دارو در جهت رفع مشکلات پیش آمده خبر داد. به گزارش ایسنا، دکتر ایرج حریرچی گفت: با توجه به تاخیر در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها از سوی بیمه‌ها، چرخه صنعت دارو و شرکت‌های پخش دچار مشکل شده‌اند. این تاخیرها برای بخش ارائه کنندگان و شرکت‌های پخش قابل تحمل نبود و به همین دلیل جلساتی برگزار و اولویت‌هایی مطرح شد.

حوادث

ادعای جدید قاتل ستایش: همدست داشتم

قاتل ستایش قریشی که حکم اعدام و قصاصش در دیوان عالی کشور تأیید و مراحل استیذان هم برای اجرای حکم انجام شده، مدعی شده که همدست داشته است. سالار قدسی، آرش وکیل اولیای دم ستایش در گفت‌وگو با تسنیم اظهار کرد: قاتل ستایش اخیرا و بعد از قطعیت حکمش در دیوان عالی کشور ادعا کرده پس از به قتل رساندن ستایش با همدستی یکی از دوستان خود اقدامات مجرمانه را نسبت به جسد مقتول انجام داده است. دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی به ادعای قاتل ستایش را در صلاحیت دادگستری شهرستان ورامین دانسته است.

آموزش و پرورش

کودکان بدون شناسنامه ایرانی، «کد انحصاری» ندارند

معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نهضت سوادآموزی با اشاره به چگونگی پوشش تحصیلی کودکان و بازماندگان از تحصیل بدون شناسنامه ایرانی گفت: مشکلات «کد انحصاری» برای اینها داریم. در این زمینه نیازمند نظم اداری دقیق هستیم که وزارت کشور مسئول آن است. علی باقرزاده در گفت‌وگو با ایسنا درباره روند پیگیری سوادآموزی کودکان ایرانی بدون هویت گفت: شاید بتوان به صورت موردی مشکل اسناد هویتی و سوادآموزی این کودکان را حل کرد اما به صورت کلی نمی‌توانیم به تنهایی این کار را سامان دهیم و بی‌تردید باید یک شناسه و مشخصه انحصاری از این کودکان در سیستم ثبت کنیم زیرا برای هر کدام از افرادی که تحت پوشش برنامه‌های ما قرار می‌گیرند سالانه یک میلیون تومان هزینه می‌کنیم.

شورای شهر

میرلوحی: شهرداری با قرض حقوق کارمندانش را پرداخت!

عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران گفت: شهرداری تهران تاکنون خزانه مرکزی نداشته است و در حقیقت نقدینگی به مناطق مختلف می‌رود و هر منطقه برای خود یک خزانه دارد.

به گزارش ایلنا، محمود میرلوحی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران در انتقاد به ساختار مالی شهرداری و ابهامات فراوانی که در این زمینه وجود دارد، گفت: شهرداری تهران تا امروز خزانه مرکزی نداشته است. در حقیقت نقدینگی به مناطق مختلف می‌رود و هر منطقه برای خود یک خزانه دارد. این پول‌ها باید نظم پیدا کرده و وارد خزانه مرکزی شوند. امروز شاهد هستیم که با ساختار شبکه بانکی، نقل و انتقال پول به راحتی صورت می‌گیرد، پس چه لزومی دارد به جای آنکه وارد خزانه مرکزی شود، به خزانه مناطق واریز شود؟

از اینکه بگذریم، در مرحله بعد آنچه دارای اهمیت است، نحوه اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی برای هزینه‌کرد این منابع مالی است. آقای نجفی در حال حاضر با قرض توانسته حقوق ماه گذشته کارمندان شهرداری را پرداخت کند.

میرلوحی با اشاره به انتقاداتی که به دولت درباره هزینه‌های جاری می‌شود، افزود: به دولت انتقاد می‌شود که چرا ۷۰ الی ۸۰ درصد بودجه خود را صرف هزینه‌های جاری می‌کند. این در حالی است که شهرداری حتی برای صرف هزینه‌های جاری خود مجبور است قرض کند.

شهری

شهردار منطقه ۶: نباید کار شهر را به حال خود رها کرد

شهردار منطقه ۶ با گرامیداشت ایام عزاداری سید و سالار شهیدان و همزمانی این ایام با هفته دفاع مقدس و فصل بازگشایی مدارس خطاب به مدیران منطقه گفت: باید از بزرگان دین و کشور الگو گرفت و کار شهر را به حال خود رها نکرد و نگهداشت شهر و رشد و توسعه همه جانبه آن را در دستور کار قرار داد. به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۶، علی‌بیدابادی در جلسه شورای مدیران منطقه گفت: در شرایط تغییر مدیریت نباید دست از تلاش و فعالیت برداشته و کارها را به حال خود رها کنیم. شهردار منطقه ۶ با اشاره به اینکه دیدگاه کم‌کاری در میان مدیران و کارکنان شهرداری به منزله بی‌توجهی به کار شهر است، تصریح کرد: ما در برابر شهر و شهروندان مسئولیم و به واسطه حقوق و مزایایی که دریافت می‌کنیم باید در خدمت آنها باشیم. هرگونه کم‌کاری در اجرای وظایف محوله ظلم به خود و هم‌وطنان است و باید به بهترین نحو ممکن مدیریت کرده و کار شهر را به بعد موکول نکنیم.

استان

برپایی ایستگاه اهدای خون آگاهانه توسط هیئت انصار ولایت یزد

آفتاب یزد - مریم مظفری: همزمان با آغاز ماه محرم، هیئت انصار ولایت یزد با برپایی ایستگاه اهدای خون در حسینیه آزادگان یزد میزبان عزاداران حسینی است و با پاسخ به سوالات اهدای خون گام مهمی در راستای فرهنگ‌سازی بحث اهدای خون آگاهانه بر می‌دارد.

هیئت انصار ولایت یزد با شروع ماه محرم و برپایی غرفه‌های فرهنگی، آموزشی در کنار مراسم عزاداری در حسینیه آزادگان یزد تلاش در حرکت به سوی شور حسینی در جهت فرهنگ‌سازی شعور حسینی، همچنین برپایی ایستگاه اهدای خون و ثبت نام از عزاداران حسینی جهت شرکت در پویش اهدای خون آگاهانه قدم بر می‌دارد.

◆◆◆

تدوین بیش از ۵۰ برنامه امر به معروف در یزد

آفتاب یزد: دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان یزد در جمع خبرنگاران گفت: بیش از ۵۰ برنامه در حلقه امر به معروف و نهی از منکر یزد ویژه ترویج دو فریضه الهی تدوین شده است. حجت‌الاسلام والمسلمین محمد قائم‌الدینی افزود: اولین قدم در راستای امر به معروف و نهی از منکر خودسازی است و اجرای این دو فریضه آثار زیبایی در روح و روان افراد می‌گذارد به طوری که معروف انسان را به عرش و منکر به فرش می‌کشد. طی یک سال گذشته بیش از ۳۰۰۰ نفر از مسئولین و روسای شوراهای امر به معروف ادارات استان یزد آموزش دیدند.

◆◆◆

رئیس شورای اسلامی شهر تبریز:

آتش‌نشانی عشق و فداکاری برای تامین آرامش جامعه است

آفتاب یزد: رئیس شورای اسلامی شهر تبریز گفت: آتش‌نشانی بیش از آن که شغل باشد، عشق و فداکاری برای تامین آرامش جامعه است. دکتر شکور اکبرنژاد در مراسم روز ملی آتش‌نشانی و خدمات ایمنی با بیان این مطلب اظهار داشت: در کنار حمایت از برنامه‌های توسعه و تجهیز آتش‌نشانی باید بحث آموزش را در بین اقشار جامعه تقویت کنیم. وی با اشاره به نقش برنامه‌های عمرانی و شهرسازی در ایمنی شهر گفت: اماکن مسکونی باید در نقاطی احداث شود که از شرایط ایمنی لازم برخوردار باشد. در این صورت بدیهی است که نیاز به آتش‌نشانی و ایمنی در اولویت بعدی خواهد بود. رسالت آتش‌نشانی محدود به آتش‌نشانان نیست و افراد جامعه باید با مسئولیت‌پذیری و جدیت نسبت به فراگیری آموزش‌های حوزه ایمنی کوشا و از پیشگیری‌های لازم آگاه باشند. باید توان تجهیزاتی این مجموعه را تقویت کنیم.

◆◆◆

نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی:

استاندار جدید نهادهای فرهنگی و تاثیرگذار استان را تقویت کند

آفتاب یزد- اسد فلاح: نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی گفت: نخستین انتظار ما از استاندار آذربایجان شرقی در ارتباط با ترویج فرهنگ اسلامی و مقابله جدی با تهاجم فرهنگی غرب است. کما اینکه در این زمینه مسئولین و نهادهای فرهنگی و تاثیرگذار استان را تقویت کند. حجت‌الاسلام سید محمدعلی آل‌هاشم اظهار کرد: در این راستا تلاش و کوشش شبانه‌روزی برای فراهم سازی زمینه‌های ازدواج و اشتغال جوانان و تحصیلکرده‌های دانشگاهی به همراه مدنظر قرار دادن سیاست‌های نظام در خصوص مسئله مهم، از اولویت‌های کاری استاندار جدید باشد. تلاش و توجه جدی برای حفظ و احیای محیط زیست و به خصوص دریاچه ارومیه را جزو مطالبات جدی خود و مردم آذربایجان شرقی و حتی استان‌های همجوار از دولت و مسئولان استانی بیان کرد. آل‌هاشم با تاکید بر نقش اقتصاد مقاومتی در بهبود وضعیت زندگی و معیشتی مردم گفت: در این راستا رفع بیکاری در بین جوانان که کار آسانی نیست و همدلی همه مسئولان را می‌طلبد باید مورد توجه جدی استاندار جدید باشد. در حال حاضر کارخانجات و واحدهای تولیدی آذربایجان شرقی با مشکلاتی روبرو هستند که باید با همدلی و تدبیر و برنامه‌ریزی این معضلات اقتصادی استان برطرف شود.

قبل از ایجاد حاشیه، نصب عکس وزیر ممنوع شده بود!

پیش از ایجاد حاشیه درباره نصب بنری از عکس وزیر در شهر مشهد، وزارت آموزش و پرورش نصب تبلیغات زائد از جمله نصب بنر را در استان‌ها ممنوع کرده بود. به گزارش مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، سه هفته پیش از درج جوابیه‌ای از سوی مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش درباره بنر تبلیغاتی از عکس وزیر آموزش و پرورش در شهر مشهد، شاهرخ محمدزاده مدیرکل دفتر وزارتی در بخشنامه‌ای با صراحت دستور پرهیز از تبلیغات و تشریفات زائد را داده بود. این بخشنامه در تاریخ ۲۲ شهریور ۹۶ صادر شده بود و در آن آمده است: «مدیرکل محترم آموزش و پرورش استان... با سلام، ضمن آرزوی توفیق، به اطلاع می‌رساند حسب دستور وزیر محترم، تمامی ادارات ترتیبی اتخاذ فرمایید تا در جریان سفرهای ایشان و هیئت همراه به استان‌های کشور از انجام هرگونه تشریفات از قبیل نصب بنر، پلاکارد، پوستر، تشریفات بدرقه و... که منجر به صرف هزینه‌های غیرضروری می‌گردد، اکیداً خودداری شود.» گفتنی است چندی پیش بنرهای تبلیغات بازگشایی مدارس با عکس بزرگ وزیر آموزش و پرورش در معابر شهر مشهد نصب شد. وزارت آموزش و پرورش استان خراسان رضوی در جوابیه‌ای اعلام کرد که این بنرها با سفارش آنها نصب نشده است. این بنرها در آستانه سفر محمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش به عنوان نماینده عالی دولت، در جهت افتتاح از طرح‌های عمرانی به عنوان نماینده دولت در خراسان شمالی در سطح شهر نصب شده بود.

سیگار می‌کشیم چون در مرحله گذار هستیم!

گزارش میدانی ـ تحلیلی آفتاب یزد از افزایش مصرف دخانیات میان دختران

آفتاب یزد - گروه اجتماعی: ایرج حریرچی، سخنگوی وزارت بهداشت در صحبت‌های خود به افزایش مصرف سیگار در دختران نوجوان اشاره کرده و در مورد آمار مواد دخانی اعلام می‌کند: «مصرف سیگار در نوجوانان ۱۳ تا ۱۵ ساله افزایش کمی داشته که عمده آن در دختران نوجوان بوده است. آمار مصرف سیگار در دختران نوجوان از کمتر از یک درصد به ۶ درصد رسیده است. با توجه به اینکه سیگار و قلیان در حوزه ورود به مصرف مواد مخدر و رفتارهای پرخطر است، خانواده‌ها باید هوشیار باشند و بدانند که مصرف قلیان در کنار نوجوان‌ها چه خطرهایی می‌تواند به آنها وارد کند. در حال حاضر ۶ درصد دختران ۱۳ تا ۱۵ ساله سابقه مصرف قلیان دارند.» در حقیقت در مورد گرایش تعداد دختران نوجوان به مواد دخانی با جهش نگرانی روبه‌رو هستیم. این خطری است که وزارت بهداشت در مورد آن صحبت می‌کند.

سیگار حال می‌دهد

به نظر می‌رسد خودشان هم نمی‌دانند برای چه سیگار و قلیان به دست می‌گیرند. اما یک جمله را همه دختران و زنانی که سیگار و قلیان می‌کشند می‌گویند. آنها می‌گویند: «خیلی حال می‌دهد» اما برای این سوال که چه حالی می‌دهد؟ هم جوابی نداشتند.

به یکی از رستوران‌های سنتی خیابان ولیعصر می‌روم. از پله‌ها که پایین می‌روم بوی توتون‌ها و تنباکوهای مختلف مشامم را پر می‌کند. سرتاسر رستوران بیشتر شکل کافه‌ای دارد. دختر و پسرهایی که دور هم نشسته‌اند قلیان را با هم به اشتراک گذاشته‌اند و هر چند دقیقه یک بار شیلنگ قلیان را به هم پاس می‌دهند و به هیچ وجه نمی‌گذارند کسی بیشتر از بقیه قلیان بکشد. چند پاکت سیگار روی تخت است. به نظر می‌رسد هر کدامشان یک نوع سیگار می‌کشند. اول با روشنک، دختری لاغر و قدبلند و ۲۰ ساله همکلام می‌شوم. وقتی از او می‌پرسم چرا سیگار می‌کشی؟ می‌گوید: «چرا؟ نداشتن شوهر درست و حسابی!» همه‌شان می‌خندند. خیلی جدی رو به دوستانش می‌کند و می‌گوید: «جدی می‌گویم.» و دوباره به من می‌گوید: «دوستی ما با سیگار شروع شد. ما هم سیگار می‌کشیدیم و تقریبا هم‌قافیه داشته است. بابا و مامانمون خبر ندارند که ما سیگار می‌کشیم. وقتی می‌ریم خونه‌هامون ادکلن و مسواک می‌زنیم. شوهر دوستم می‌گوید برو دستشویی سیگارت را بکش بعد با وایتکس آنجا را بشور که بوی سیگار نماند. خودش هم می‌رود و بیرون می‌کشد.»

وقتی به او می‌گویم: «اگر پدرتان بفهمد شوهر هم سیگار می‌کشی؟» جواب می‌دهد: «واویلا کو تا پیدا کنیم! شاید تا آن موقع یک فکری برای سیگارمان هم بکنیم. اما واقعا یک سوال دارم: ما به جز کشیدن سیگار و قلیان چه می‌توانیم بکنیم؟ همه‌مان بیکاریم و تفریحمان نشسته بیرون خرید یا کافه و قلیان بکشیم کار دیگری نداریم.»

سیگار کشیدن روشنفکری است؟!

اما دوستش مونا می‌گوید: «من برای حس روشنفکری سیگار می‌کشیدم. حالا با شوهرم می‌کشم. اما خواهرم نمی‌داند که دخترم نمی‌بیند.» می‌پرسم: «اگر بد است که چرا می‌کشی اگر معتقدی که بد نیست چرا دخترت نبیند؟» جواب می‌دهد: «الان خوب نیست که ببیند. اما اگر بزرگ بشود و بخواهد سیگار بکشد، خودش تصمیم می‌گیرد و من جلویش را نمی‌گیرم.»

با این جواب روشنک می‌خندد و می‌گوید: «مونا جون که من می‌شناسم امکان ندارد اگر بخواهد سیگار بکشد او را نکشی؟!»

مونا می‌گوید: «در آن موقع روشنفکر می‌شوم و اجازه می‌دهم که دخترم سیگار بکشد. اما قلیان اصلا نه. خودم می‌کشم و نه اجازه می‌دهم دخترم بکشد. می‌گویند خیلی ضرر دارد. هر یک قلیان اندازه ۷۰ سیگار است. بعضی‌ها هم می‌گویند به اندازه ۱۰۰ سیگار. کلا چیز خوبی نیست. من نمی‌کشم.»

می‌پرسم: «سیگار کشیدن روشنفکری است؟» می‌گوید: «بله مگر نمی‌بینید بیشتر آنها که فرهیخته‌اند سیگار می‌کشند؟»

مریم دختر خوش‌رویی است که می‌گوید: «اول کار مونا این‌ها را می‌گوید تا ما قلیان نکشیم. اگر نه سیگار و قلیان هیچ فرقی با هم ندارد. تازه قلیان باحال‌تر است و بو هم نمی‌گیریم.» او رو می‌کند به من و می‌گوید: «ما همکلاسی بودیم و دوستی‌مان تا الان طول کشیده.» می‌پرسم: «شما چرا سیگار می‌کشی؟» مریم حال پاسخ می‌دهد: «۱۵ ساله بودم که سیگارهای بابا را کش می‌رفتم. یک مواقع‌هایی هم دوستم می‌آمد خانه ما و من از سیگارهایش کش می‌رفتم. کلا وقتی بابام سیگار می‌کشید دوست داشتم و حال می‌کردم. با قلیان هم حال می‌کنم. یک جورایی آرامش بخش است.»

لیلا دوستش حرف‌های مریم را تایید می‌کند و می‌گوید: «سیگار فقط سیگار حال می‌دهد. یک نوع بخش ذهن‌مان مشغول می‌شود. سیگار نمی‌توانی ترک کنی. چون وقتی ناراحتی اعصابت را آرام می‌کند و وقتی خوشحال هستی، انگار هیجان بیشتری می‌دهد. کلا حال می‌دهد.»

اما دلیل الهام برای کشیدن سیگار و قلیان بسیار عجیب و غریب است. او می‌گوید: «من ناخن که کاشتم سیگار را شروع کردم.» متعجب نگاهش می‌کنم. می‌گوید: «جدی می‌گویم. با سیگار ناخن‌هایم خیلی بیشتر به چشم می‌آید.» برای آن که این زیبایی عجیب را به من نشان دهد، شیلنگ را از دوستش می‌گیرد و می‌گوید: «نگاه کن نور چراغ که به آن می‌خورد چه حالی می‌شود.» با هیجان شیلنگ را به دوستش می‌دهد و سیگاری به دست می‌گیرد و می‌گوید: «ببین.» و با سیگار و ناخن‌های بلندش ژست می‌گیرد.

با دختران ۲۰ ساله خداحافظی می‌کنم و از رستوران بیرون می‌آیم. کلمه‌های «روشنفکری»، «زیبایی ناخن» و «کلاس رفتن سیگار» در ذهنم پرسه می‌زند که به هفت‌تیر و یکی دیگر از رستوران‌های سنتی می‌روم. به یکی از پرسنل آنجا که صحبت می‌کنم می‌گوید: «قبلا مخالف کنار قلیان‌مان زیاد بود اما حالا این مخالفت را کم کردیم تا شلنگ یکبار مصرف به مشتری‌مان بدهیم. اینطوری بهداشتی‌تر است.» وقتی از او می‌پرسم چرا قلیان عرضه می‌کنند جواب می‌دهد: «ما هم اجاره و هم هزینه‌های دستمزد بیمه داریم. اینترنت وای فای آنه و... را پرداخت می‌کنیم اگر کنار غذا قلیان سرو نکنیم نمی‌توانیم هزینه‌هایمان را در بیاوریم.»

خانواده‌ها با قلیان مشکلی ندارند

اکثر مشتریان این رستوران غذا سفارش داده‌اند اما یک میز که چند دختر و پسر کنار هم دور نشسته‌اند دو قلیان سفارش داده‌اند و در حال مصرف هستند. رنج سنی‌شان بین ۲۲ تا ۲۵ سال است. از آنها اجازه می‌گیرم و هم‌کلام‌شان می‌شوم. سعید در پاسخ به این سوال که چرا قلیان می‌کشی؟ می‌گوید: «چرا؟ واقعا نمی‌دانم. وقتی دور هم هستیم قلیان و سیگار حال می‌دهد. ضمن این فقط در جمع دوستانم سیگار می‌کشم. اگر مادرم بفهمد که سیگار می‌کشم من را می‌کشد.» می‌پرسم: «چه حالی می‌دهد؟» می‌گوید: «حال می‌دهد دیگر. کم لذت بدی که شما آدم نمی‌تواند حال کشیدن سیگار و قلیان را توضیح دهد.»

مشغول حرف زدن که هستیم، دختری تنها می‌آید. قلیان سفارش می‌دهد و منتظر آمدن سفارش می‌ماند. نگاهش در رستوران می‌چرخد و به نظر می‌رسد که به حرف‌های ما که دو میز با او فاصله داریم گوش می‌دهد. مریم می‌گوید: «ما چند تا هم دانشگاهی که جمع می‌شویم، کار دیگری نداریم. در دانشگاه که نمی‌توانیم اما وسط کلاس‌هایمان می‌آییم و سیگار می‌کشیم یا می‌رویم کافه و قلیان می‌کشیم.»

مصطفی وسط حرفش می‌پرد و با خنده می‌گوید: «اصلا چرا باید ریه سالم تحویل مرده و سوسک بدهیم. آخرش که می‌خواهیم بمیریم بگذار حال کنیم و بمیریم اینطوری کیفش بیشتر است.»

فرهاد آرام نشسته. وقتی از او می‌پرسم که شما هم قلیان می‌کشید؟ می‌گوید: «من کلا هیچ چیزی نمی‌کشم. از سیگار خیلی خوشم می‌آید اما نمی‌توانم دود را تحمل کنم. تنها کسی که در این گروه معتاد نیست منم.» رو می‌کند به دوستانش و با شوخی می‌گوید: «معتادها، این آشغال‌ها را کشیدن برایتون بده معتادها.» مریم می‌گوید: «حالا نیست. خودت اصلا نمی‌کشی؟ حالا مریض شدی و ریه‌ات نمی‌کشد.» رو به من می‌کند و ادامه می‌دهد: «من را اینطوری نبینید. یه وقت نیست. اصلا روزی یک پاکت سیگار می‌کشیده.» فرهاد می‌گوید: «مهم این است که نیست اصل این است که من پاکم.» مریم جواب می‌دهد: «حالا بیماری، پاک نیستی.» می‌پرسم: «خانواده‌هایتان هم می‌دانند که سیگار و قلیان می‌کشید؟» فرهاد می‌گوید: «آن موقع که سیگار می‌کشیدم مادر و پدرم می‌دانستند و مشکلی نداشتند. حتی گاهی اوقات پدرم سیگار می‌کشید و مادرم هم در مهمانی‌ها برای آن که کلاس بگذارد سیگار می‌کشید ولی هیچ‌وقت جلوی من سیگار نمی‌کشد.»

اما دوستان فرهاد می‌گویند که آنها قلیان را از خانواده‌هایشان پنهان نمی‌کنند چون خانواده‌ها با آن مخالفتی ندارند. فقط سیگار است که هنوز قبحی بین خانواده‌ها دارد. والدین آنها با مصرف سیگار فرزندان‌شان مخالف هستند.

با آنها هم خداحافظی می‌کنم و از دختر تنها که حالا پک‌های عمیقی به قلیان می‌کشد اجازه می‌خواهم کنارش بنشینم. می‌گوید: «چه می‌خواهی؟» جواب می‌دهم: «می‌خواهم علت قلیان کشیدنت را بدانم.» با لحن عصبی و اعتراض می‌گوید: «دوست دارم سیگار بکشم به کسی چه مربوط است؟ مگر از کسی پول می‌گیرم که به بدن کسی ضرر می‌زنم. دوست دارم به تن خودم ضرر بزنم. هم سیگار می‌کشم هم قلیان.» «گاهی هم می‌کشی؟» «دوست دارم خودم را تنبیه کنم. وقتی کسی پولش را دارد، هر کاری دوست داشته باشد انجام می‌دهد مثل این‌ها هم از کسی پنهان نمی‌کنم.»

مهارت «نه» گفتن نداریم

علت گرایش دختران و زنان جوان به مواد دخانی را با سیدحسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری ایران در میان گذاشتیم. او با بیان این که چند دلیل برای این گرایش دختران به سیگار و قلیان وجود دارد به آفتاب یزد می‌گوید: «یکی از موضوعاتی که در دهه اخیر جلب توجه کرده، گرایش زنان جوان و دختران به دخانیات و مواد مخدر است. مصرف سیگار به صورت پنهانی شروع شده ولی امروزه مصرف سیگار توسط دختران و زنان جوان در ملاء عام تقریبا عادی شده است. بخشی از مصرف سیگار برای جلب توجه است و در این شکی نداشته باشید.»

وی درباره این سوال که آیا این جلب توجه به مردسالاری در برخی خانواده‌ها مربوط می‌شود یا خیر، پاسخ می‌دهد: «ممکن است برخی برای جبران گذشته خود به مصرف دخانیات روی بیاورند و گفته شود مصرف سیگار توسط زنان جلوه بیشتری می‌دهد. ولی همه دوست دارند دیده شوند اما راه آن متفاوت است. یکی با لباس، یکی هم با سیگار جلب توجه می‌کند.»

موسوی چلک با اشاره به این که یکی دیگر از دلایل مصرف سیگار، کنجکاوی است می‌افزاید: «کنجکاوی بیشتر در سنین نوجوانی دختران را به سمت سیگار سوق می‌دهد اما یکی از دلایل عمده مصرف سیگار، به اصطلاح برای فرار از مشکلات است. این بهانه برخی افراد است. مثلا وقتی خسته می‌شوند می‌گویند: بگذار سیگار بکشم حال بیایم. برای فرار از مشکلات سیگار را تجربه می‌کنند.»

رئیس انجمن مددکاری ایران تاکید می‌کند: «مهارت «نه» گفتن را آنها خودشان بلد نیستند. در تحلیل یاد نگرفته‌اند. کسانی که به نوجوانان و جوانان سیگار تعارف می‌کنند همسالان آنها هستند و چون مهارت «نه» گفتن را به آنها یاد نداده‌ایم، بستری می‌شود برای گرایش نوجوان‌ها به سیگار و قلیان.»

وی با اشاره به کشیدن قلیان در خانواده می‌گوید: «می‌بینیم که خانواده‌ها به پارک می‌آیند و با خود قلیان می‌آورند. در حقیقت کشیدن سیگار عادی‌سازی شده است. وقتی موضوعی عادی‌سازی می‌شود می‌تواند طرفدار پیدا کند. درست همانطور که اگر محدودیت‌ها زیاد شود افراد برای انجام آن حریص می‌شوند. نقش خانواده در مصرف دخانیات بی‌تاثیر نیست. نوع نگاه در گرایش به سیگار و قلیان تاثیرگذار است. اگر فرزندان مصرف سیگار را از کودکی ببینند احتمال گرایش را بیشتر می‌کند.»

به گفته موسوی چلک: «موضوع سیگار و قلیان ساده گرفته شده است. این سهل‌انگاری هم نقش دلبستگی به دخانیات است. نمی‌خواهیم بگوییم نداشتن برنامه برای اوقات فراغت در گرایش آنها به سیگار و قلیان بی‌تاثیر است اما اگر کسی مهارت تصمیم‌گیری را بلد نباشد در اوقات فراغت و غیرفراغت ممکن است به سیگار و قلیان گرایش پیدا کند.»

رئیس انجمن مددکاری ایران با بیان این که عده‌ای به صورت تفننی مصرف دخانیات را شروع می‌کنند و بعد گرفتار می‌شوند، می‌افزاید: «خیلی‌ها برای سرگرمی مصرف دخانیات را شروع می‌کنند و نسبت به این موضوع بی‌تفاوت هستند و فکر نمی‌کنند که وابسته بشوند. در مقابل عده‌ای هم هستند که با وجود داشتن امکانات تفریحی باز هم به سیگار و قلیان گرایش دارند.»

موسوی چلک می‌گوید: «بعضی فکر می‌کنند که سیگار برایشان منزلت و پرستیژ اجتماعی می‌آورد. افرادی که سیگار به دست می‌گیرند حس بزرگی می‌کنند. ولی واقعیت این است که من بارها اعتقاد دارم که سیگار دروازه ورود به هر نوع خلافی است. دختری که سیگار می‌کشد به او مواد دیگری هم تعارف می‌شود. درست است که سیگار غیرمجاز نیست و فقط برای سنین خاص ممنوعیت گذاشته‌ایم ولی به کسی که سیگار می‌کشد می‌گویند از یک مرحله خلاف را رد شده است. کشیدن سیگار در عین حال که تخلف نیست اما خروج از هنجارها و ارزش‌های مورد پذیرش جامعه است و همچنان آن دید منفی روی سیگاری‌ها وجود دارد. احتمال کشیده شدن سیگاری‌ها به آسیب‌های اجتماعی بیشتر است.»

رئیس انجمن مددکاری ایران با بیان این که موضوع مصرف سیگار جدی است تاکید می‌کند: «نباید به آسانی از کنار این موضوع بگذریم. در یک بازه زمانی چند ساله گرایش دختران به سیگار تقریبا دوبرابر شده و این آمار نگران کننده است و باید این معضل آسیب‌شناسی شود.»

مصرف مواد دخانی جنبه نمایشی دارد

بعضی از دختران فکر می‌کنند بزرگ شده‌اند و می‌خواهند این بزرگی را با یک ژست به سیگار و قلیان نشان دهند و با دستی خاص سیگار یا قلیان می‌کشند. اما واقعا گرایش دختران جوان و نوجوان به سیگار و قلیان به علت جلب توجه است؟ چند درصد از دختران در مرحله گذار «مردسالاری» به «عدالت و برابری جنسیتی» رو به مصرف سیگار و قلیان آورده‌اند؟ دکتر محمد حقیقی، روانشناس و استاد دانشگاه در گفتگو با آفتاب یزد به این سوال پاسخ داده و می‌گوید: «طبیعی است که مصرف سیگار و قلیان در سنین نوجوانی جنبه نمایشی دارد و مصرف مواد دخانی برای آنها به عنوان سمبلی از بزرگ شدن، «خودنمایی از سوی دیگران» و «در جمع بودن» تلقی می‌شود.»

وی با اشاره به آمارهای وزارت بهداشت در مورد افزایش گرایش دختران نوجوان به سیگار و قلیان می‌گوید: «من اعتقادی به این موضوع ندارم که دختران بیشتر از پسران به مصرف مواد دخانی و رفتارهای پرخطر گرایش دارند ولی دختران به دلیل محدودیت‌هایی که برایشان ایجاد می‌شود و کمتر از پسران در فعالیت‌های اجتماعی به کار گرفته می‌شوند به نوعی از ابزارهایی که جنبه‌های فردی دارد روی می‌آورند. اگر دختران هم مانند پسران زمینه فعالیت بیشتری داشتند نرخ گرایش آنها به سوی مواد دخانی رشد پیدا نمی‌کرد.»

دکتر حقیقی با اشاره به مرحله گذار مردسالاری به برابری جنسیتی تاکید می‌کند: «به دلیل همین مرحله گذار زن‌ها می‌خواهند بیشتر خود را در فعالیت‌های اجتماعی نشان دهند. اگر جامعه زنان را در ۳۰ سال گذشته مرور کنیم، متوجه می‌شویم که زنان حضور خود را در عرصه‌های مختلف پررنگ کرده‌اند. مثلا در حوزه ورزشی حضور بیشتری دارند و مدال‌های جهانی را به دست آورده‌اند. بنابراین وقتی زنان در جامعه حضور و وجود دارند، کمتر به عرصه‌های فردی گرایش می‌یابند.»

بنا بر تحلیل‌های موجود زنان نیز به عنوان جنس دوم در عرصه‌های مختلف دیده نشده‌اند. همین موضوع باعث شده برخی زنان برای دیده شدن به هر طریق ممکن قدم بگذارند. زنان برای رسیدن به سطوح بالاتر با مشکلات زندگی دست به گریبانند و همین امر باعث شده در بعضی موارد زنان مواجه و در بعضی موارد (کمتر) اکثر مواقع به دلیل سرخوردگی است؛ روی آوردن به مصرف مواد دخانی و حتی مواد مخدر را شاهد هستیم. تحلیل ما این است که در جامعه وجود دارد دو زن فاصله‌ای که مستثنی هستند.